

ایستاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از آغاز واکسیناسیون دانش آموزان تا دو هفته آینده خبر داد. وی کامل شدن واکسیناسیون دانش آموزان را لازمه بازگشایی مدارس برشمرد و افزود: در شهرهایی که دارای وضعیت قرمز نیستند و یا در مناطق روستایی که دارای جمعیت کمی هستند منعی برای بازگشایی مدارس وجود ندارد منتها آموزش و پرورش باید درباره آن تصمیم بگیرد. عین الهی با بیان اینکه واکسیناسیون در کشور به خوبی در حال انجام است؛ گفت: خوشبختانه مردم نیز در دریافت واکسن مشارکت و همکاری خوبی دارند. وی تصریح کرد: در صورتی مدارس بازگشایی می‌شود که واکسیناسیون هر دو کلاس دانش آموزان کامل شود و برای همین منظور ظرف دو هفته آینده واکسیناسیون دانش آموزان ۷ تا ۱۸ سال آغاز خواهد شد.

شماره ۶۶۳
شهریور ۱۴۰۰

نقشه راه بازگشایی کلاس های درس به تمامی مدارس ابلاغ شد

مهر: مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان از ابلاغ الگوی فعالیت آموزشی و تربیتی مدارس در شرایط شیوع کرونا به مدارس استان کرمان خبر داد. احمد اسکندری نسب در خصوص بازگشایی مدارس اظهار کرد: در این زمینه دو اصل سلامت و برخورداری از تعلیم و تربیت با کیفیت مورد توجه قرار گرفته است. وی افزود: تأثیر و کیفیت آموزش حضوری بالاتر از آموزش مجازی است. در این زمینه تابع تصمیمات ستاد کرونا هستیم. اسکندری نسب افزود: تاکنون حدود ۱۵ هزار فرهنگی دز دوم را دریافت کرده‌اند.

حسام الدین اسلملو

کرونا نبود که باعث ایجاد نابرابری آموزشی شد و بحث داشتن یا نداشتن تبلت دانش‌آموزی را به میان کشید. بلکه کرونا فقط از چهره‌ی زشت نابرابری آموزشی در ایران نقاب برداشت. ایرانیان پس از گذر از جامعه‌ی قجری توانستند به حداقلی از برابری آموزشی و تحصیل رایگان برسند. تحصیل در همیشه‌ی تاریخ ایران تا پیش از آن دوره مختص طبقه خاصی بوده است. اما از طنز روزگار بود که به یکباره به زیر این میز زدیم و تحصیل رایگان تبدیل به یک ماده قانونی خاک گرفته در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شد. حتا کار به جایی رسید که امروز برخی از چهره‌های شاخص در میان حلقه‌ی قدرت، خود مجری و کاسب ترویج مدارس غیردولتی لاکچری هستند با شهریه‌هایی که فقط از عهده‌ی کسانی برمی‌آید که دست کم ماهیانه ۲۰ میلیون تومان درآمد خالص داشته باشند!

با اینکه هرسال مدیران میانی آموزش و پرورش تاکید دارند شهریه در مدارس دولتی گرفته نمی‌شود اما در عمل بودجه‌ای برای گرداندن این مدارس نمی‌رسد تا اولیای مدرسه ناچار به خودگردانی مدرسه و گرفتن شهریه شوند. اختلاف میان امکانات این دو نوع مدرسه هر روز در حال شکاف بیشتر است و در کنارش وضع اسفبار اقتصاد ایران موجب نابودی بیش از پیش طبقه متوسط شده است. تا جایی که جامعه‌ی ایرانی دارد با سر به همان زمین گرمی می‌خورد که در دوران قاجار برقرار بود و دوباره تحصیل مختص طبقه‌ی برتر می‌گردد. پدر و مادر از پس شهریه‌های کذایی مدارس غیرانتفاعی (امشش ضد خودش است. غیر انتفاعی یعنی سود نخواهی!) بر می‌آیند؟ با این ساختار طبقاتی مگر آموزش می‌تواند کاری کند؟ آموزش و پرورش ما نابرابری ساز است. شاخص نابرابری در نظام آموزشی ما ۳۷ درصد است درحالی که در همین کشورهای همسایه شاخص نابرابری تحصیلی ۱۶ درصد است. یعنی ما دوبرابر ملت‌هایی که از هرجهت با آنها هم‌تراز هستیم، نابرابری آموزشی داریم! ما کودکان بازمانده از تحصیل زیادی داریم. ۹ میلیون بیسواد مطلق داریم. در کشوری که ۱۴ میلیون تحصیل کرده‌ی آموزش عالی وجود دارد، ۹ میلیون بیسواد مطلق؟! آموزش و پرورش چه کار کرده برای اینها؟

یادآوری مصائب آموزش و پرورش به بهانه اول مهر؛

پردهای که کرونا کنار زد



حاکم شدند و خودمان دچار انحطاط شده بودیم. در دانشگاه‌های قدیم ایران -که مدارس علمیه نام داشتند- به تدریج نسبت به دانش‌هایی مثل ریاضی و هندسه و فلسفه و حتا جغرافی ضدیدت ورزیده شد و این علوم را از مدارس علمی کنار گذاشتیم. درست زمانی که در غرب، برعکس این روند پیش آمد. با غلبه‌ی تنگ‌نظری‌ها و زوال تدریجی آن چه خود داشتیم به دوران جدید پا گذاشتیم و ناچار شدیم نظام آموزشی غرب را اخذ کنیم. که البته باز با مقاومت واپس‌گرایان روبرو شدیم و موجب شد ما از یک ملت‌هایی که زمانی با آنها شروع کرده بودیم هم عقب بمانیم. ما با ترکیه و ژاپن شروع کرده بودیم. دارالفنون ما با دارالفنون آنها و مشروطه‌ی ما با مشروطه‌ی آنها هم‌زمان بود. الان زاین کجاست ما کجا هستیم؟

چرا چیست؟ وقتی که اصلاح نهاد آموزش و پرورش به اصلاحات سیاسی پیوند خورده و اصلاحات سیاسی هم که در شرایط امروز کشور به نرد بست رسانده شده است. سیکل معیوبی وجود دارد اینکه هرکدام از اینها اصلاح نشود آن یکی اصلاح نمی‌شود. اما در ساختاری که اصول علمی تعلیم و تربیت را نادیده می‌گیرد و به جایش اصول جزئی خود را به وجود می‌آورد؛ معلم‌ها می‌توانند کنش گر باشند. در یک چنین فضایی، تنها راه کنش اجتماعی‌ست. معلم‌ها به خودشان سازمان بدهند. مشکلات آموزش و پرورش را بازتاب بدهند. دردرس دارد. بله هزینه دارد. هر ملتی بخواهد پیشرفت کند باید هزینه بدهد. حسن رشدیه کی بود؟ کسی بود که جنبش آموزشی را در سطح ملی ایجاد کرد. خیلی هم هزینه داد. در خود تبریز مدرسه درست کرد. در تبریز و در مشهد او را تا قصد کشت زدن. در به در شد ولی جنبش ملی آموزش را در ایران پایه‌گذاری کرد. در همین مدرسه معلم‌ها سعی کنند به جای توجه به بخشنامه‌های حکومتی با تغییرات جامعه جلو بروند. با آینده و تجربه‌های دنیا کلاس را اداره کنند. هیچ ملتی بدون هزینه به جایی نمی‌رسد. باید امید داشت. زندگی کرد. مقاومت کرد. اولین خواسته‌ی ما باید خواست برابری در آموزش باشد. نه اینکه یکی به خاطر بی پولی تحصیل محروم بشود. آن دیگری چون روستایی‌ست به خاطر دسترسی نداشتن به امکانات از تحصیل محروم بماند. یکی چون در استان محروم زندگی می‌کند نتواند ادامه تحصیل بدهد و یکی هم به خاطر نظرات سیاسی‌اش دچار گزینش شود.

بر همه چیز تحمیل می‌شود. اگر در ایران کهن در یک مقاطع نسبتا کوتاهی از نظام آموزشی سنتی ایران، دانشمندان بزرگی پدیدار شدند اما بعد از آن، نظام آموزشی سنتی به هرز رفت تا جایی که در دوران معاصر ناچار شدیم ساختارهای آموزشی غرب را به کار بگیریم. زیرا در ابتدا در دوره‌ی طلایی تمدن ما، عقلانیت اهمیت پیدا کرد. نهضت ترجمه داشتیم و شروع کردیم به ترجمه‌ی آثار یونانی، پارسی، چینی و هندی ... مترجمانی مثل بزویه طیب داشتیم. عقل اهمیت پیدا کرد. خاندان‌های شاهی ایرانی هم مثل صفاریان، سامانیان، زبیریان و آل بویه و ... دانشمندان حمایت می‌کردند. نسبت به دانشمندان حساسیت عقیدتی نداشتند که به آنها حکم کنند باید طبق چارچوب ما فکر بکنید. حکومت‌ها نسبت به متفکران سخت‌گیر نبودند. دخالت در کارهای دانشمندان نمی‌کردند. قرون سوم تا پنجم هجری دوره‌ی زرین تمدن ایران در دوران اسلامی بود. در دوران طلایی شاه عباس، فکرها‌ی تعصب‌آلود بر ما

این است که هم خودمان را تغییر بدهیم و هم جامعه را. آموزش برای این نیست که بچه‌ها را با کلیشه‌هایی بار بیاورد که خودش می‌خواهد. این آموزش نمی‌تواند کمک بکند که به فهم برسیم. فهم دیگری، فرهنگ دیگری و گفت‌وگو با دیگری و بتوانیم حتا با طبیعت ارتباط تعالی بخشی داشته باشیم. این نوع آموزش نمی‌تواند کمک کند که به صلح برسیم. صلح با خود، با دیگری و صلح با طبیعت. این از نظام آموزشی‌ی برمی‌آید که در اختیار خود جامعه باشد. در اختیار حرفه‌ای‌ها باشد. ولی الان سیستم آموزشی ما در اختیار مقامات است. برنامه‌های درسیاش و کتاب‌هایش از بالا طبق آن ایدئولوژی خاص دارد تبیین می‌شود. معلم‌هایش در چارچوب ایدئولوژی قدرتمندان گزینش می‌شوند. این ایدئولوژی چپ باشد یا راست برای من فرقی نمی‌کند.» علتش این است که سیاست بر تعلیم و تربیت حاکم شده. سیاست جایش در مدرسه نیست. البته در کشور ما سیاست بر همه چیز حاکم شده. آن هم نه سیاست دموکراتیک. سیاست یک گروه خاص که

مقام معظم رهبری؛

این جنگ هشت ساله و این دفاع مقدس، از بزرگ‌ترین افتخارات ملت ایران است.

هفته دفاع مقدس

شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر
GOLGOHAR MINING & INDUSTRIAL COMPANY
روابط عمومی و امور بین الملل

یاران چه غریبانه رفتند از این خانه...

هفته دفاع مقدس

گرامی باد

روابط عمومی شرکت کمرش سیرجان

کجی بیکر شیرین خدایه

هفته دفاع مقدس

گرامی باد

جنگ تحمیلی را دشمن برای خاموش کردن شعله‌ورتر شدن نیروی انقلاب و روحیه‌ی

انقلاب به راه انداخت. اما همین جنگ باعث انقلاب شد ...

۱۳۸۸/۰۱/۲۶ (عرب‌ها)

اعضا شورای اسلامی شهر سیرجان